

ممیزی و سانسور در تئاتر در گفت‌وگو با کارگردانان و نمایشنامه‌نویسان حضور نیافته در جشنواره تئاتر فجر ۲۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد

جریان بازدارنده ممیزی

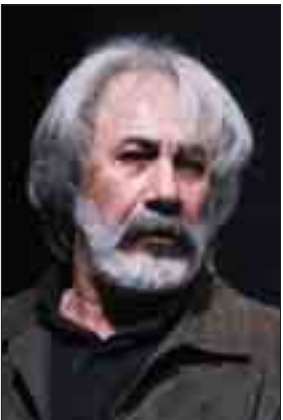
● احمد اطراچی



دکتر قطب‌الدین صادقی: هنر یعنی خلاقیت و آزادی و هر نوع سانسور، مختل خلاقیت می‌شود



حسین کیانی: ممیزی از سویی جریان بازدارنده است و از سوی دیگر جریانی پیش‌برنده محسوب می‌شود



حمید مظفری: اگر سانسور حاکمیت پیدا کند، ممکن است بر اثر آن استعداد‌های تئاتری شکوفاشود



نادر برهانی‌مرند: متأسفانه سیاست‌های حوزه فرهنگ اغلب سلیقه‌ای و قائم به فرد بوده است



محمود استادمحمد: ممیزی تئاتر را سترون کرده و باعث شده تئاتر رابطه‌اش را با مردم از دست بدهد



محمد یعقوبی: به طور کلی برای ممیزی در کشور ما، ضابطه و قانون مشخصی وجود ندارد

نمایش «عکس یادگاری» دکتر قطب‌الدین صادقی، کارگردان، نویسنده و مدرس تئاتر در سال ۸۳ پس از اجرا در جشنواره تئاتر فجر توقیف شد و هیات‌بازبینی و نظارت، پیرامون این توقیف به ذکر جمله «جغرافیای کار، ایران نیست، پسنده کرد و توضیح بیشتری در این‌باره نداد، در حالی که این هنرمند هنوز نسبت به این موضوع معترض است. دکتر صادقی تأثیر ممیزی در تئاتر را منفی می‌داند و در این‌باره می‌گوید: «هنر یعنی خلاقیت و آزادی و هر نوع سانسور، مختل خلاقیت می‌شود.» اما او در مورد کلیت تئاتر در ایران معتقد است: «باید بدنه تئاتر ملی تقویت شود. اگر چنین اتفاقی بیفتد و بدنه تئاتر ملی ما مشخص شود، در آن صورت برگزاری جشنواره معنا پیدا می‌کند. هر چند که در حال حاضر جشنواره تئاتر فجر، فاقد هدف و تعریف معین است و مشخص نیست که این جشنواره آیا جشنواره‌های عروسکی، صحنه‌ای، دانشجویی، استانی، حرفه‌ای یا غیر حرفه‌ای است؟»

محمود استادمحمد، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر درباره سانسور می‌گوید: «سانسور در تئاتر ایران، مفهوم متداول خود را ندارد. تئاتر ایران، تئاتر دولتی است. یعنی سفارش‌دهنده، سرمایه‌گذار، صاحب سانسور، برنامه‌ریز و سیاستگذار، دولت است. به نظر مثال در هالیوود، سرمایه‌گذار بودجه‌ای را در نظر گرفته و سفارش فیلمی با موضوع مسیحیت را می‌دهد. در این بین نمایشنامه‌نویس، کارگردان، بازیگر و … اگر با چنین موضوعی موافق باشند دعوت به کار خواهند شد در غیر این صورت جای خود را به دیگری می‌دهند. چنین مثالی در مورد کلیت تئاتر ایران هم از طراح، بازیگری، کارگردانی و نمایشنامه‌نویسی تا نوع فکر نویسنده مصداق دارد. مسأله ما تئاتر دولتی است یعنی تئاتر در اختیار دولت است، نه تحت حمایت آن. اگر

بخواهیم مانند کشورهای که براساس موازین دموکراتیک در بخش فرهنگ عمل می‌کنند، رفتار کنیم باید بخش خصوصی وارد عمل شده و تولید تئاتر را در اختیار بگیرد و در این بین دولت وظیفه حمایت را به عهده بگیرد. ضمن اینکه فراموش نکنیم حمایت با سیاستگذاری تفاوت دارد. تئاتر ایران برای رهایی از موقعیتی که در حال حاضر با آن روبرو است، چاره‌ای ندارد مگر اینکه دولت و به طور اخص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تئاتر بخش خصوصی را بیناگذاری کند تا بخش خصوصی در یک موقعیت کاملاً رقابتی، خلاق و خدمتگزار فعال شود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در مواردی که بخش خصوصی نیاز به کمک دارد به حمایت از این بخش بپردازد.»

استاد محمد، پیرامون تأثیر ممیزی بر تئاتر کشور می‌گوید: «ممیزی تئاتر را سترون کرده و باعث شده تئاتر رابطه‌اش را با مردم از دست بدهد. ضمن اینکه یک تئاتر بی تأثیر و خنثی را پوجود آورده است؛ تئاتری که نه می‌تواند به مردم خدمت کند و نه به دولت و نه به منویات حکومت. اعمال سانسور باعث شده نمایش‌های اجرایی در طول سال که از میان سه تا چهار هزار نمایشنامه (به طور تقریبی) انتخاب شده و روی صحنه می‌روند، هیچ تأثیری روی مخاطب خود نگذاشته و تماشاگر این آثار

● **دکتر فرشید ابراهیمیان***

ممیزی مقوله‌ای است که در همه جای دنیا و در هر سیستمی وجود دارد. یعنی هر جامعه‌ای، به مقتضای فرهنگ، شرایط اجتماعی، آداب و رسوم و ارزش‌هایش برای خود خط قرمزهایی تعیین می‌کند که هیچ‌کس در هیچ شرایطی اجازه عبور از آن را ندارد. این خط قرمزها برای بعضی از جوامع سیاسی، برای برخی فرهنگی، برای عده‌ای اخلاقی و برای بعضی دیگر مذهبی است. مثلاً در کشوری چون سرزمین شو‌راها (اتحادیه جماهیر شوروی سابق) خط قرمز، مناسبات امپریالیستی و تبلیغ و انشاعه ارزش‌های آن بود یا در جامعه آمریکا به‌رغم وجود مثلاً فضای دموکراتیک، خط قرمز، تبلیغ

کمونیسم و مناسبات سیاسی متناسب با آن است یا به‌طور کلی هر نوع سیستمی که در تضاد با سیستم دوحزبی موجود است. آیا در آمریکا کسی می‌تواند مبلغ سیستم پادشاهی (مونارکی) باشد؟ بنابراین ملاحظه می‌کنید که هر جامعه‌ای برای خود خط قرمزهایی دارد که لااچرم براساس آن همه شئون اجتماعی و از جمله، هنر را ممیزی می‌کند. حتماً مدتی قبل از طریق رسانه‌ها متوجه شدید که نمایشی در یکی از کشورهای صاحب‌نام تئاتری



توقیف شد. شاید اگر شما، شنونده این خبر نبودید یا به تماشای آن ننشسته بودید جایی بسی شگفتی داشت در چنین کشوری که قوانینی در راستای نبود سانسور می‌گیرد. چرا؟ برای اینکه (البته ما نمی‌دانیم) حتماً و قطعاً مخالف جوامع تعیین شده حرکت کرده است، بنابراین در همه جوامع به نسبت شرایطی که مذکور افتاد و برای ارزش‌هایش و شگردهایی که برای این ممیزی است، تشخیص و تمیز وجود دارد. بدیهی است که این نوع ممیزی قانونمند، سازمان‌مند و نظام‌مند است و چون قوانین است، مردم همه آن را پذیرفته‌اند. چون نمایندگان خود آنها، براساس شناخت قوانین جامعه آن را وضع کرده‌اند اما نوع دیگری از ممیزی نیز وجود دارد که ریشه در قوانین جاری و حتی گاهی متعارف ندارد، بیشتر شخصی است و به نسبت تفاوت شخصیت آدم‌ها می‌میزد. نوع ممیزی متفاوت می‌شود، یعنی گاهی البته به‌ندرت ممیزی سلیقه‌ای است. در این صورت نوعی سردرگمی پدید می‌آید که این سردرگمی، ممکن است روند کار خلاقه را کمی کند سازد.

● **منتقد، مدرس و پژوهشگر تئاتر**

تحلیل موسیقی متن در نمایش «آنکه گفت آری، آنکه گفت نه» در بخش تولیدات ۸۵ جشنواره تئاتر فجر ۲۵

یگانگی موسیقی و تئاتر



جنبه فلکلواریک دارد، برای پرده‌های مربوط به خانواده فجری اجرا کردیم. اما قسمت‌های بعدی موسیقی نیز در حال و هوای نمایش قرار دارد که اغلب در دستگاه اسفهان نواخته می‌شوند.

با وجود اینکه برای شرکت در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر آماده شده بود و هیات بازخوانی آن را تأیید کرده بودند اما از سوی هیات‌بازبینی مرود اعلام شد و جالب اینکه دو نفر از اعضای آن گروه را نیز سعید کشن‌فلاح و حسین پاکدل تشکیل می‌دادند و این هیات در کنفرانس مطبوعاتی خود که برای اولین بار در طول جشنواره‌های متعدد برگزاری می‌شد، دلیل رد برخی از آثار از جمله نمایش «از تاریکی» را ضعف کیفی دانستند در حالی که خود من با مراجعه به رئیس مرکز هنرهای نمایشی آن زمان یعنی آقای شریف‌خدایی متوجه شدم دلیل مرود شدن کار من از نظر کیفی نبود بلکه رد آن را در معنا و مضمون اعلام کرد.

در این بین باید توجه داشت که مشکل محتوایی متن در زمان بازخوانی آن می‌باید مدنظر قرار می‌گرفت و نه در زمان بازبینی نمایش که هیات‌بازبین، کیفیت آثار را مورد ارزیابی قرار دادند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برخی از افراد، احساسات شخصی خود را در داور۱ آثار ملاک قرار می‌دهند. به طور کلی می‌توانم بگویم که برای ممیزی در کشور ما، ضابطه و قانون مشخصی وجود ندارد.»

یعقوبی درباره تأثیرات مخرب ممیزی می‌گوید: «آسیبی که این نوع ممیزی به تئاتر کشور وارد می‌کند، دو گونه است: بخشی که بستگی به خود افراد دارد و ممکن است آدم‌ها را به خودسانسوری سوق دهد و بخشی که به کل تئاتر مربوط می‌شود و منجر به موجود آمدن احساس نامنی در فضای کار تئاتری می‌شود.»

یعقوبی درخصوص شکل کارگروه ممیزی در تئاتر می‌گوید: «اسم اصلی کارگروه ممیزی، گروه نظارت و ارزشیابی است. گروه متشکل از کارگردانان و ارزشیابان تئاتر را انجام می‌دهد و به بخش ارزشیابی آن چندان توجهی نمی‌کند در حالی‌که بخش ارزشیابی این هیات می‌تواند یار و همراه گروه‌های اجرایی بوده و از آنان حمایت کند. به‌طور مثال کارهای شب‌بسته‌ای وجود داشته‌اند که اداره نظارت و ارزشیابی می‌توانست از بعد ارزشیابی خود از آنان حمایت کند و تعداد اجرای بیشتری را به آنان اختصاص دهد یا اجرا در سراسر کشور را برای آنها فراهم کند که متأسفانه چنین امری کمتر اتفاق وجو‌ددارد، نه‌تنها سانسور که توقیف هم‌صورت پیشنهادت خود را برای بهبود این مسأله می‌دهد. او می‌گوید: به نظر اگر شش‌وزار نظارت و ارزشیابی به جنبه ارزشیابی آثار، توجه بیشتری کند هنرمندان سرشناس ممکن است حاضر به همکاری با چنین شورایی برای حمایت از کارهای کیفی باشند. این چگونگی شورایی است که نخبگان تئاتر کشور علاقه‌ای به حضور در آن ندارند در حالی که بارها دعوت به همکاری شده‌اند؟ در حالی که به‌طور مثال نخبگان مهندسی کشور به حضور در شورای ارزشیابی مهندسی کشور همواره علاقه‌مند هستند! به هر حال مسأله ممیزی و سانسوردر تئاتر همان‌گونه که هنرمندان تاتر ما به آن اشاره کردند در هر کشوری وجود دارد اما اینکه این ممیزی چگونه می‌تواند به کار خلاقه آنان لطمه نزند و امنیت فعالیت حرفه‌ای آنان را به‌خطر نیندازد، جای بحث و بررسی و موشکافی بیشتری دارد.

با جشنواره تئاتر فجر

۳۰ هزار تماشاگر در پنج روز اول جشنواره

به گزارش ستاد خبری بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و براساس آمار تماشاگران تالارهای مختلف نمایشی فعال در جشنواره امسال تئاتر فجر، در پنج روز نخست روزانه بیش از هفت هزار نفر و در مجموع ۳۰ هزار تماشاگر از نمایش‌های صحنه‌ای و خیابانی این جشنواره دیدن کردند. ستاد برپایی بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، در پی راه پیدا نکردن تعداد زیادی از تماشاگران به سالن‌های نمایشی که به دلیل استقبال از نمایش‌های جشنواره مجبور به بازگشت به خانه‌هایشان شدند، رسماً عذرخواهی و اعلام کرد از امروز تا پایان جشنواره نمایش‌های برمخاطب –در صورت تمایل گروه‌های نمایشی –اجرای ویژه خواهند داشت.

جنبه آموزشی حضور گروه‌های خارجی در جشنواره

گروه تئاتر: دکتر کمال‌الدین شفیعی، کارگردان و مدرس تئاتر بسر این باور است که حضور گروه‌های نمایشی برجسته در جشنواره تئاتر فجر جنبه آموزشی دارد.وی در گفت‌وگو با ستاد خبری بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر گفت: باید گروه‌هایی به جشنواره تئاتر فجر راه یابند که توانایی آموزش مسائل تکنیکی جدید و ارزنده تئاتری را داشته باشند. دکتر شفیعی با تأکید بر اینکه برگزاری جشنواره اقدام مطلوبی برای پویایی هنر نمایش است، افزود: در تمام دنیا جشنواره‌ها میزبان نمایش‌های منتخب اجرا شده طی سال هستند که

خوشبختانه این روش دو سال است در کشور ما هم اعمال می‌شود، اما باید توجه داشت که انتخاب نمایش‌های اجرا شده طی سال باید براساس معیارهای کیفی باشد. این طبیعی است که طی ۲۴ دوره برگزاری جشنواره تئاتر فجر شاهد سیر تکاملی این رویداد فرهنگی و هنری باشیم اما نباید به همین پیشرفت قانع باشیم. هر روز باید در تدارک فرآیدی بهتر برای تئاتر کشور باشیم و این کار در سایه تلاش و فراهم آوردن امکانات مطلوب آموزش تئاتر برای هنرمندان و علاقه‌مندان تئاتر کشور میسر می‌شود. بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر ساعت ۱۸ در ۲۷ دی‌ماه طی مراسمی در تالار وحدت به کار خود پایان می‌دهد.

تحلیل حمید سمندریان بر نمایش روبر تو چولی

گروه تئاتر: حمید سمندریان، کارگردان تئاتر کشور پس از دیدن نمایش «مرگ داتون»، به کارگردانی روبر تو چولی گفت: این نمایش اثری با اصالت دراماتیک و جذاب از نظر اجرایی است. وی با اشاره به شیوه اجرای این اثر افزود: «در این نمایش کارگردان، تمامی حوادث و داستان را به شیوه‌ای کاملاً تئاتری و حرفه‌ای تکرار کرده تا اثری دراماتیک و تماشایی را به تصویر بکشد. «سمندریان سبک و سیاقی اجرایی کارگردانی نمایش مرگ داتون را برگرفته از سبک و سیاق کارگردانی رابرت ویلسون دانست و تصریح کرد: «در سبک ویلسون و رابرت ویلسون نمایشنامه با حرکات هنرپیشه‌ها، نور و طراحی صحنه به شکلی «نقاشی شده» ارائه می‌شود تا وجوه پنهان اثر هویدا شود. در کارگردانی مدرن امروزی که بسیاری از اهل تئاتر ایران هنر با آن آشنا نیستند، تازدی و غم و اندوه را با طنز تلخ نشان می‌دهند تا تأثیر بهتری بر تماشاگر داشته باشد.» سمندریان با اشاره به برخی از صحنه‌های نمایش مرگ داتون اظهار داشت: «همه‌چیز عنصر اجرایی در این نمایش حرکت و اعمال نمایش بازیگران برای بیان جنبه‌های پدیدآور پنهان اثر است. «وی این اثر نمایشی را اثری تاثیرگذار در مفهوم، مدرن در اجرا و دارای جذابیت‌های بصری نمایش معرفی کرد. این کارگردان تئاتر استفاده از انسان‌های عروسکی‌گونه را روش مناسبی دانست که کارگردان با تیره‌وشی این بیان نمایش خود از آن استفاده کرده است. وی نمایش «مرگ داتون» را دراماتورژی حوادث درهم تنیده انسان‌هایی درگیرودار چرخه پر شکمشک زندگی دانست.

حضور هم‌زمان یکم بازیگر در دو نمایش اشتهاد است

گروه تئاتر: احمد مهران‌فر از جمله بازیگران جوان تئاتر است که امسال هم‌زمان با دو نمایش «شوایک» و «هر که فروشنده» در جشنواره تئاتر فجر ایفای نقش می‌کند. وی درباره حضور در این دو نمایش به سایت ایران‌تئاتر گفت: «حضور هم‌زمان یک بازیگر در دو پروژه نمایشی کار اشتباهی است. این دو مین‌باست که من هم‌زمان در دو نمایش شوایک به کارگردانی کوروش نربمائی و مرگ فروشنده به کارگردانی نادر برهانی‌مرند در جشنواره حضور دارم. در این دو نمایش به لحاظ ژانر کاری باهم متفاوت هستند. به همین دلیل بازیگری در آنها با یکدیگر کاملاً متفاوت است. نمایش مرگ فروشنده نمایشی کاملاً رئالیستی است و من چندان سعی نکردم از خودم دور شوم اما در شوایک همه چیز در سطح قرار دارد و در حقیقت بازی در کت‌تپ است که تجربه‌ای را با بارها داشته‌ام.»

بی‌دقتی در انتخاب نمایش‌های خارجی

کارگردان نمایش «ژولیوس سزار» گفت: نمایش‌های خارجی از کیفیت هنری و تکنیکی برخوردار نبوده و مشخص است در انتخاب نمایش‌ها دقت کافی صورت نگرفته است. دکتر مسعود دلخواه با انتقاد از اجرای نمایش‌های خارجی و کیفیت آثار گفت: نمایش‌هایی که تاکنون در جشنواره اجرا شده‌اند به لحاظ تکنیک و محتوا پایین بوده و این برای جشنواره فجر یک ضعف به‌شمار می‌آید. تعداد آثار شرکت‌کننده در بخش بین‌المللی نیز بسیار کم بود و ای‌کاش همین تعداد کم اجراها حداقل از تکنیک هنری و ساختاری برخوردار بودند. دلخواه نبود بودجه کافی را علت پایین بودن کیفیت نمایش‌های خارجی عنوان کرد و یادآور شد: اگر قرار است که کارگردانان شناخته شده در دنیا به جشنواره بیایند، مرکز هنرهای نمایشی باید بودجه خوبی به آن اختصاص دهد. کسانی که به عنوان کارشناس برای انتخاب نمایش‌ها به خارج از کشور می‌روند باید تخصص کافی داشته باشند و در انتخاب این کارشناسان باید تجدیدنظر کرد. نمایشی که تماشاگر عادی تشخیص می‌دهد از سطح پایینی برخوردار است، چراغ‌آر کارشناس این تشخیص رانمی‌دهند.

تالارها	نام نمایش	نویسنده	کارگردان	ساعت اجرا
اصلی	مرغ دریایی	بوریس اکونین	ژوزف رایخلگاز (روسی)	۱۸:۳۰
چهارسو	عشق	محمدرحمانیان	محمدرحمانیان	۱۸
سایه	آنکه گفت آری آنکه گفته	مهرداد رایانی	مهرداد رایانی	۲۰:۳۰ و ۱۷:۳۰
فصلی	مرگ فروشنده	آرتور میلر	نادر برهانی‌مرند	۱۷:۹، ۱۷:۱۹
نو	مثل سوسوی فانوس آرزخته	محمدرضا کوهستانی	علی فرحاک	۱۶ و ۱۹
مولوی	بیعت، کلون چوچ و خودم	زروم بل	ژروم بل (روسی)	۱۵
هنر	یک شهر یک پرند	گیتادودی	ناصر آویژه	۱۸
تماشاخانه مهر	چله‌نشین عشق	احسان جانی	احسان جانی	۱۸

جدول نمایش‌های خیابانی امروز در جشنواره تئاتر فجر

مکان	نام نمایش	کارگردان	شهر	ساعت اجرا
تئاتر شهر	آندوآباد می‌مشورن	حسین علی	تهران	۱۵
تئاتر شهر	سیاوش علی‌اکبرخوان	محمداحمدی	پاکدشت	۱۵:۳۰
تئاتر شهر	گردشگر	کریمستفایوت	فرانسه	۱۶
تئاتر شهر	مرده‌ها حرف می‌زنند	امیرمسبی	تهران	۱۶:۴۵
تئاتر شهر	مردانی که مبدل...	لیلاجیدی	تهران	۱۷:۳۰
فرهنگسرای بهمن	یکی بودیکی نبود	علیرضاقاسمی	بناب	۱۶
مقابل تالار مولوی	سواره از پیاده خبر ندارد	عبدالله‌حلیت	خرمشهر	۱۴
فرهنگسرای نیاروان	کافی‌چشماتو یک‌لحظه	مهدی حبیبی	ملایر	۱۶

اما در صحنه مرگ، شاهد تکنوازی کمانچه به وسیله شبما بلوکی فر هستیم که سوز ماجرا را نشان می‌دهد. قسمت آغازین نمایش نیز براساس آهنگ مشهور بهاره دلکش تنظیم شده است که ریتم آن هشت و هشت بوده و درمست در نقطه تقابل با پایان نمایش است که ریتمی کند و مریه‌وار دارد. فلسفه موسیقی متن در این نمایش حس فاصله در تماشاگر است. یعنی از اول قرار نبود که موسیقی ما وصف حال متن باشد. آن طوری که خود کارگردان هم مدنظر داشت، نوعی موسیقی میان‌برده‌ای با کار متناسب بود که در عین حال بحث تعویض صحنه و حرکت داستان را هم در خود داشته باشد. اما در دو صحنه ما به صورت افکتیو با صحنه‌های نمایش هماهنگ می‌شویم. موسیقی به کار رفته در این صحنه‌ها نوعی موسیقی «لژگی» آذری است. در چنین صحنه‌هایی دیالوگ‌های نمایشنامه که با منطقی شعری نوشته شده بود، ساختاری ملودی‌ک به صحنه‌های نمایش می‌دهد. شاید در چنین صحنه‌هایی است که موسیقی و تئاتر با هم یگانه می‌شوند و به وحدت می‌رسند.